

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)
سال بیست و نهم، دوره جدید، شماره ۴۲، پیاپی ۱۳۲، تابستان ۱۳۹۸ / صفحات ۱۰۱-۱۲۶

بررسی نظری مفهوم «هنر شیعی» با تأکید بر مطالعه رویکردهای شیعی در معماری عصر تیموری^۱

وحید عابدین پور^۲
معصومه سمائی^۳

تاریخ ارسال: ۹۷/۶/۱۲

تاریخ پذیرش: ۹۸/۲/۶

چکیده

سیاست تسامح‌گرایانه دولتمردان تیموری، پیوند تشیع با جریان تصوف و تلاش شیعیان به‌ویژه بعد از سقوط خلافت عباسی زمینه‌ای را فراهم ساخت تا مذهب تشیع در عصر تیموریان (۷۷۱-۹۱۳ق) در ابعاد مختلف رشد پیدا کند. این موضوع سایر مؤلفه‌های هویت ایرانی و از جمله هنر و معماری را هم تحت تأثیر قرار داد و از اسباب گسترش تدریجی رویکردهای شیعی در هنر و معماری ایرانی از این زمان گردید. در این ارتباط، تعریف و چگونگی شکل‌گیری این هنر به‌طور کلی و ارتباط معماری با مذهب تشیع در دوره تیموریان به صورت خاص، پرسش اصلی تحقیق حاضر است که به روش توصیفی-تحلیلی و با بررسی میدانی و استناد به منابع کتابخانه‌ای به آن پرداخته شده است. یافته‌های مبتنی بر فرضیات تحقیق مؤید رواج مستمر و افزایش کاربرد نمادهای (بصری و نوشتاری حاوی مضامین و درونمایه‌های) شیعی در بناهایی نظیر بقاع امامزادگان، حرم امام هشتم (ع)، مساجد جامع، آرامگاه‌ها و دیگر بناها در قرن نهم ق بوده است. به عبارتی دیگر، تعریف هنر (معماری) شیعی در این زمان عمدتاً شامل مضامین مذهبی متبلور شده در کالبد هنر (معماری) اسلامی است.

واژه‌های کلیدی: تیموریان، مذهب تشیع، هنر، معماری، هویت ایرانی.

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/hii.2019.21733.1762

۲. دانش‌آموخته دکتری تاریخ ایران اسلامی دانشگاه اصفهان. abedinpoorv@yahoo.com

۳. دانش‌آموخته دکتری تاریخ ایران اسلامی دانشگاه اصفهان. masoomeh.samaei@yahoo.com

مقدمه

تیموریان سلسله‌ای ترکی - مغولی بودند که در فاصله سال‌های (۷۷۱-۹۱۳ق) عموماً در نواحی ماوراءالنهر و ایران حاکمیت داشتند. تجربه هم‌زمان زندگی یکجانشینی و کوچ‌نشینی در آلاس جغتای و آسیای مرکزی باعث شد تا تیمور و جانشینانش با اسلام و فرهنگ ایرانی آشنایی و ارتباط نزدیکی داشته باشند. به همین سبب و همچنین علل و زمینه‌های تاریخی چون سقوط خلافت عباسی، مؤلفه‌های هویت ایرانی از جمله هنر و مذهب تشیع در این زمان فرصت رشد و وحدت بیشتری یافتند. به گونه‌ای که از این زمان به بعد عقاید و اندیشه‌های شیعی در هنر ایرانی به صورت مداوم (بدون انقطاع تاریخی) رواج یافت و در عصر صفوی بود که هنر شیعی دوران اوج خود را سپری نمود.

از طرفی شاخه‌های مختلف هنری و از جمله معماری نیز دارای ظرفیت‌های قابل توجهی در جذب، حفظ و نمایش و حتی تطبیق با باورهای دینی و مذهبی هستند. شکل‌گیری و نام‌گذاری سبکی با نام «معماری اسلامی» خود گویای این مدعاست. نکته دیگر این که معماری نظیر معماری ایرانی علاوه بر فراز و فرودهای فیزیکی و عینی در قالب محتوا و درون‌مایه نیز در طول زمان پذیرای تحولاتی بوده و هست. افزایش رویکردهای شیعی در معماری تیموری (موضوع تحقیق حاضر) از جمله نمونه‌های قابل ذکر در این خصوص است. ساخت آرامگاه‌ها (شامل: مقبره، بقعه، زیارتگاه، قبور، حظیره، آستانه، بارگاه، امامزاده و مدفن) و مساجد جامع (در اصفهان، یزد، هرات، مشهد) با این رویکرد و به‌ویژه گسترش کم‌نظیر حرم امام هشتم (ع) در این دوره مواردی هستند که در این بررسی سعی شده با دقت در نوع بنا، موقعیت مکانی، بانیان و کتیبه‌های آن‌ها، چگونگی ورود و حضور مؤلفه‌های شیعی به لحاظ ساختار و شکل و از منظر درون‌مایه و مفاهیم به‌کاررفته در آن‌ها، مورد واکاوی قرار گیرد.

در باب پیشینه تحقیق افرادی مانند علی‌اصغر کلاتر در اثرش با عنوان «بررسی تطبیقی کاربرد متون مذهبی در هنر شیعی مازندران»، هانیه کریمی در پایان‌نامه خود با عنوان «بررسی نمادهای شیعی در هنر ایران»، سید هاشم حسینی و حسن فراشی در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل جنبه‌های نمادین شیعی در تزئینات مسجد جامع یزد» و به‌ویژه مهناز شایسته‌فر محقق پرکار در موضوع «هنر شیعی» و صاحب کتابی به همین عنوان و دیگر محققان از جمله کسانی هستند که در آثار خود به مواردی چون: تأثیر مذهب تشیع به‌طور مستقیم (خوشنویسی و معماری) و غیرمستقیم (هنرهای وابسته به معماری) در تولید آثار هنری، عصر ایلخانی و تیموری به‌عنوان دوران رونق هنر شیعی، تقسیم نمادهای این هنر به دو دسته نمادهای بصری و نوشتاری و اصل خدامحوری در همه این نمادها و تعریف هنر شیعی طبق کتیبه‌ها و آثار نوشتاری و

ادبیات تحقیق

در ادبیات مربوط به تاریخ هنر و از جمله هنر شیعی، سه دسته تحقیق و به فراخور آن محقق وجود دارد: دسته اول که تعداد آن‌ها به مراتب بیشتر از بقیه است، به ویژگی‌های کالبدی آثار هنری می‌پردازند. دسته دوم عمدتاً به خصلت‌های اجتماعی و تاریخی آثار توجه دارند. دسته سوم بین این دو دسته قرار دارند و به عبارتی به صورت ترکیبی از جنبه‌های تاریخی و اجتماعی و کالبدی و فنی آثار توجه دارند. در مورد بررسی و تعریف هنر با پسوند موصوفی (نظیر هنر شیعی، ایرانی، اسلامی، غربی، چینی) لازم است نگاه ترکیبی و از نوع سوم به این مقوله ارائه گردد؛ موضوع و رویکردی که در تحقیق حاضر به کار گرفته شده است. چرا که به منظور تعریف درست هنر شیعی می‌بایست علاوه بر آثار ملموس و جنبه‌های عینی آثار هنری، به زمینه‌های اجتماعی و تاریخی شکل‌دهنده و به‌وجودآورنده این نوع آثار نیز توجه شود. در غیر این صورت تعاریف و مبانی، نادرست یا ناقص خواهند بود.

هنر با رویکرد شیعی (به‌ویژه در عصر مورد نظر) عمدتاً به واسطه دورن‌مایه‌ها و شاخص‌های ناملموس نسبت به جنبه‌های کالبدی در معماری جلوه‌گر شده است (ElGemaiey, 2014: 273-289؛ کریمی داور، ۱۳۹۳: ۵۵). این مهم حاکی از قوت جنبه‌های مفهومی و محتوایی و جلوه‌های تزئینی این هنر نسبت به خصوصیات کالبدی آن است. به‌عنوان مثال شیعی بودن مسجد گوهرشاد مشهد در مقایسه با اسلامی بودن مسجدالنبی را بیشتر به واسطه وجود آرایه‌های شیعی، نزدیکی به حرم امام هشتم (ع) و کارکردهای تاریخی آن می‌توان تشخیص داد تا این که بتوان شکل خاص گنبد یا مناره و طاق آن‌ها را عاملی برای این نام‌گذاری قرار داد. به عبارت دیگر، اگر شاخصه‌های مهم برای تعریف و شناخت یک اثر معماری را شامل: ۱. طرح (پلان)، ۲. سازه‌های بنا (ایوان، طاق، رواق، گنبد، ستون‌ها، صحن، مناره‌ها) ۳. مصالح (آجر، سنگ، کاشی، گچ، خاک) ۴. تزئینات (مقرنس، اسلیمی، ختایی، گلدان، نیلوفر، نقوش گیاهی، هندسی و جانوری، کاشیکاری و گچ‌بری و نماهای آجری) ۵. تکنیک ساخت ۶. نوع بنا ۷. سبک و دوره تاریخی ۸. معمار و هنرمند ۹. موقعیت مکانی و جغرافیایی بتوان عنوان کرد، شیعی بودن معماری (تیموری) بیش از آن‌که به لحاظ شاخص‌هایی چون طرح، سازه، مصالح و تکنیک ساخت، تعریف و تعیین پیدا کند، از زاویه درون‌مایه و تزئینات خاص، کتیبه‌ها، نوع بنا، کارکرد بنا، معمار و هنرمند، دوره تاریخی و موقعیت مکانی و جغرافیایی قابل بررسی است. یکی از دلایل این مهم، گسترده‌گی تاریخی و جغرافیایی و

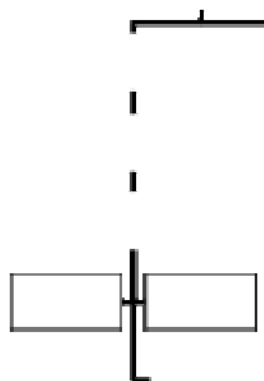
اشتراکات کالبدی آن با معماری اسلامی است.

بنابراین اصطلاح هنر شیعی به بخشی از هنر اسلامی اطلاق می‌شود که به بیان، نمایش و یا انتقال همراه با ذوق و سلیقه فرد از اعتقادات، تفکرات، ارزش‌ها، مفاهیم، شخصیت‌ها، آداب و آیین‌ها، مراسم، جریان‌ها و حوادث برگرفته از تاریخ و مذهب تشیع می‌پردازد. نکته مهم در نسبت (یا تشخیص) میان هنر شیعی و اسلامی، تأکید بر مقوله امامت از نظر فقهی و تاریخی است که در زیرمجموعه ابعاد درونی (محتوا) این هنر قرار می‌گیرد (El Gemaiey, 2014: 273-289).

به‌عنوان مثال مسجد شاه مشهد (هفتاد و دو تن) دارای ویژگی‌هایی است که با در نظر گرفتن مجموع آن‌ها می‌توان آن را یک اثر با رویکرد شیعی خواند. ویژگی‌هایی که عبارتند از: دارا بودن قالب و کالبد هنر اسلامی؛ وجود آرایه‌های شیعی اعم از اسامی، آیات،

القاب و اذکار؛ قرار گرفتن بر روی مزار امامزاده یا شخصیت شیعی مذهب؛ احداث آن توسط و یا تحت کنترل شیعیان (یا محبان اهل بیت) و در عصر و زمانه‌ای که دوران رشد و گسترش مذهب تشیع به شمار می‌رود. به همین ترتیب وقتی از شیوع هنر شیعی در عصر تیموریان یاد می‌شود، منظور نه فقط آثار هنری دارای آرایه‌های شیعی بلکه شرایط تاریخی زمینه‌ساز آن نیز مدنظر است.

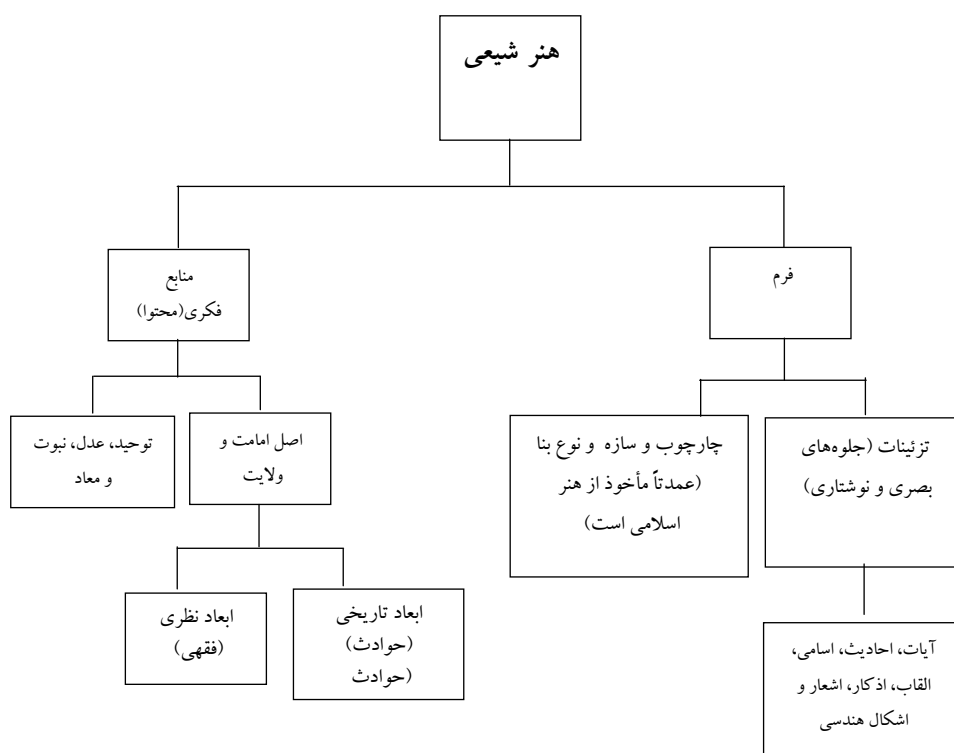
ویژگی دیگر هنر مذکور برقراری ارتباط نزدیک با فرهنگ و مؤلفه‌های هویت ایرانی است. نبوغ قومی ایرانیان در بهبود و کیفیت اجرا و سبک این هنر نقش ملموسی داشته است. در این باره بورکهارت عقیده دارد دید احساسی و تفکری هنر ایرانی تا حد زیادی وابسته به محیط اجتماعی شیعی است که مرزی بین شریعت و حال دل (طریقت) می‌باشد (بورکهارت، ۱۳۶۵: ۴۴). به استثنای ادواری مثل آل‌بویه که به صورت مقطعی از کتیبه‌های شیعی در هنر و معماری استفاده می‌شد،^۱ شروع، شیوع و به‌ویژه تداوم هنر شیعی در تاریخ ایران به تدریج و بعد از



شکل ۱- نمودار چگونگی شکل‌گیری هنر شیعی (مأخذ: یافته‌های تحقیق)

۱. کتیبه‌های نام دوازده امام در تخت‌جمشید و مرقد امام علی (ع) در نجف که به دستور عضدالدوله نوشته شد. همچنین کتیبه‌های سردر مسجد جامع نائین و بقعه دوازده امام یزد از دوره آل‌بویه‌اند (خسروبیگی، ۱۳۹۲: ۸۶-۱۰۰؛ شایسته‌فر، ۱۳۸۴: ۲۵).

هجوم مغولان و سقوط خلافت عباسی و از عصر حاکمیت تیموریان به بعد اتفاق افتاد. به عبارت دیگر، با توجه به وجود دو زمان قطعی و تقریبی برای ایجاد و رواج انواع هنرها، عصر تیموری را می‌توان زمان تقریبی رواج (نه شروع) و تداوم حضور مؤلفه‌های شیعی در هنر ایرانی دانست که در عصر صفویه به زمان قطعی مبدل گردید. با توجه به مطالب فوق، مدل زیر، نمونه‌ای نظری برای تعریف هنر شیعی است.



شکل ۲- مدل مفهومی (برای تعریف) هنر شیعی (مأخذ: یافته‌های تحقیق)

رویکردهای شیعی در معماری تیموری

یک بنا را بیشتر از قالب و عنصر و سازه خاص در معماری، می‌توان به واسطه و برمبنای کتیبه‌های مفهومی آن در موضوع آیات و ادعیه و احادیث شیعی، انجام آیین‌ها و مراسم و آداب مربوط به پیروان این مذهب، مکان قرارگیری یک بنا در نزدیکی مدفن یک امام و شخصیت و یا شهری شیعی، نوع بنا نظیر دارالسیاده‌ها، بانیا و انگیزه آن‌ها و نهایتاً تأثیرگذاری معماران، در ردیف آثار شیعی قرار داد. مواردی که تحقیق حاضر نیز روی آن‌ها متمرکز است؛

چرا که پرداختن به ابعاد فنی، تحقیق مستقلی را می‌طلبد. همچنین باید به این نکته اشاره کرد که وجود برخی طراحی‌ها و عناصر ویژه مثل برج‌ها، طاق‌ها و اشکال هندسی (۱۲ ضلعی) و یا نمادهای خاص شیعی را نیز می‌توان در زمره ظرافت‌های هنری در معماری شیعی قید نمود. ویژگی‌های مذکور را می‌توان در حمام ساخته‌شده در عمارت امیر غیاث‌الدین علی به سال ۸۴۱ ق در شهر یزد پیگیری نمود. اعطای صفت شیعی به این بنا ناشی از عوامل متعددی چون شهر یزد که مأمن شیعیان بود، بانی بنا، کاتب کتیبه، اشعار به‌کاررفته و انتساب و انتقال بنا به خاندان صوفیان شیعی است. ویژگی‌های مذکور سوای بیان ماهیت مذهبی معماری بنا، بیانگر موقعیت اجتماعی تشیع و شیعیان در جامعه یزد و در حکومت شاهرخ تیموری است که به تعصب در تسنن شهره بود. بدین ترتیب اهمیت اسناد هنری و آثار معماری در روشن‌شدن زوایای تاریک حقایق تاریخی ملموس‌تر می‌شود. نکته دیگر این‌که آرایه‌های شیعی صرفاً در بناهایی مذهبی به کار نرفته و در دیگر بناها هم می‌توان ردپایی از آن‌ها را پیدا کرد. نکته‌ای که برای پی‌جویی گسترش تشیع قبل از رسمیت‌یافتن آن در عصر صفوی قابل تأمل می‌باشد.

۴-۳-۱- آرامگاه‌ها:

تعدد ساخت آرامگاه‌ها که عناوینی چون مقبره، بقعه، زیارتگاه، قبور، حظیره، آستانه، بارگاه، امامزاده و مدفن را هم می‌توان در ذیل آن‌ها قرار داد، از ویژگی‌های معماری این دوره محسوب می‌گردد. چنان‌که درصد قابل توجهی از امامزادگان متعدد موجود در ایران در این زمان یا دارای بقعه و بارگاه شده و یا مدفن آن‌ها ترمیم و بازسازی گردید. با توجه به پراکندگی جغرافیایی این نوع ابنیه، نمی‌توان وجود جهت‌گیری‌های مذهبی مؤثر در این خصوص را نادیده گرفت. مازندران، یزد، قزوین، قم و خراسان از عمده مراکز قابل ذکر در این زمینه‌اند. فراتر از مرزهای فعلی ایران، تیمور طی فتح دمشق و عراق، با مشاهده وضع بد مقابر اهل بیت (ع)، دستور به ساخت عمارت‌هایی بر روی آنان را داد. علاوه بر این‌که با لحنی انتقادی (و البته همراه با جهت‌گیری سیاسی) به مقایسه خانه‌های تجملی اهل دمشق و عراق با قبور ره‌اشده خاندان پیامبر پرداخت (شامی، ۱۳۶۳: ۲۳۶). جدول ۱ دارای فهرستی از برخی امامزادگانی است که در عصر تیموری احیاء شده و دربر دارنده تحلیل‌هایی در باب معماری شیعی این دوره‌اند.

تاریخ اسلام و ایران، دوره ۲۹، شماره ۴۲، تابستان ۹۸ / ۱۰۷

جدول ۱- فهرست مقابر امامزادگانی که در عصر تیموری مرمت یا ساخته شدند.

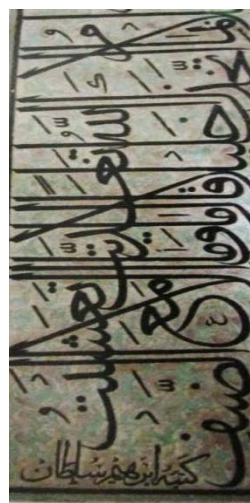
(مأخذ: یافته‌های تحقیق)

ردیف	نام امامزادگان	مکان	زمان (مرمت / ساخت)	بانی / معمار	ویژگی
۱	امامزاده کمال	قزوین	۸۶۱ق	خضر بن بابا حاجی	نواده امام کاظم ^(ع) ، با بقعه‌ای آجری
۲	ابوالقاسم	مازندران	قرن ۹ق	سید علی آملی	وجود حدیث «انا مدینه العلم و علی بابها» بر روی درب آن.
۳	ابراهیم	قم	۸۰۵ق	_____	ذکر نام ۱۲ امام روی کاشی‌ها
۴	سلطان محمد طاهر	بابل	۸۷۵ق	بانی: سید مرتضی الحسینی (نواده سید بزرگ مرعشیان) معمار: شمس‌الدین المطهری	از نسل امام موسی کاظم ^(ع)
۵	علی	قزوین	۸۴۸ق	استاد درویش نورالدین	_____
۶	خدیدجه خاتون	یزد	۸۳۱ق	_____	_____
۷	سید نظام‌الدین	یزد	۸۵۸ق	_____	_____
۸	ابوجعفر محمد	یزد	۸۵۴ق	خواجه احمد فراش؛ ملازم سلطان محمد بن بایسنغر	نواده امام صادق ^(ع) ، وجود کتیبه‌ای به نام ۱۲ امام و همراه با ذکر شهادتین شیعی
۹	میر سید	یزد	قرن ۹ق	_____	_____
۱۰	علی بن محمد باقر	اردبیل	۸۳۰ق	_____	_____
۱۱	قاسم	بروجرد	۸۰۸ق	_____	_____
۱۲	علی بن جعفر	دامغان	۸۱۵ق	_____	_____
۱۳	محمد بن علی	یزد	۸۵۹ق	معین‌الدین علی یزدی	نواده امام صادق ^(ع) ، این بنا بارها توسط بزرگان یزد مرمت شد.

۱۴	ابوجعفر محمد	یزد	قرن ۹ق	جهانشاه قراویونلو	در حادثه سیل ۸۶۰ ق به امامزاده هیچ آسیبی نرسید.
۱۵	شاهزاده فاضل	یزد	قرن ۹ق	_____	نواده امام موسی کاظم ^(ع) ، همراه با نسب‌نامه شیعی موجود در کتیبه بنا (ر.ک. شکل ۲)
۱۷	شمس‌الدین	کاشان	قرن ۹ق	_____	نواده امام سجاده ^(ع) ، وجود عناصر معماری با ماهیت شیعی در بنا
۱۸	ابوالقاسم	هرات	قرن ۹ق	_____	فرزند امام صادق ^(ع)
۱۹	سید محمود	هرات	قرن ۹ق	_____	از نوادگان امام کاظم ^(ع) و مشهور به پیر غیبی (شاه زنده)
۲۰	شش نور (سادات سته)	هرات	قرن ۹ق	_____	از نوادگان امام سجاده ^(ع) ، زین‌الدین خوافی از زائران اصلی آن بود.
۲۱	عبدالله الواحد شهید	هرات	قرن ۹ق	سلطان حسین بایقرا و امیر علیشیر	از نوادگان امام حسن مجتبی، همراه با القاب و اذکار شیعی
۲۲	شیرمحمد	سمرقند	قرن ۹ق	ألغ بیک	نواده امام صادق ^(ع) ، ألغ بیک مسجد و مدرسه‌ای کنار آن ساخت.
۲۳	علی بن حمزه	شیراز	قرن ۹ق	ابراهیم سلطان	نواده امام کاظم ^(ع) ، شاهزاده در کنار آن مدرسه‌ای ساخت که در آن دفن شد. (ر.ک. شکل ۲)
۲۴	میرعلاء‌الدین و خواهرش ام المؤمنین	شیراز	قرن ۸ق	_____	نوادگان امام کاظم ^(ع) ، معروف به امامزاده در آهنی

تاریخ اسلام و ایران، دوره ۲۹، شماره ۴۲، تابستان ۹۸ / ۱۰۹

۲۵	عبدالله	فارسیجان	قرن ۹ق	_____	_____
۲۶	کمال‌الدین	خراسان	۸۶۱ق	_____	_____
۲۷	آق شاه بالو	مازندران	۸۴۰ق	_____	_____
۲۸	سه تن	مازندران	قرن ۹ق	_____	_____
۲۹	احمد (بلند امام)	مازندران	۸۷۳ق	_____	_____
۳۰	سلطان محمد	خراسان	۸۳۲ق	شاهرخ / عبد العلی حسن المشهدی	از نوادگان امام کاظم (ع) (بنای گنبد خشتی)
۳۱	امامزاده یحیی	مازندران	۸۴۹ق	_____	همراه با ذکر صلوات کبیر در صندوق چوبی آن
۳۲	امامزاده عباس	مازندران	۸۹۷ق	_____	همراه با ذکر صلوات کبیر در صندوق چوبی آن (کلانتر، ۱۳۹۳: ۱۱)



شکل ۳- کتیبه موجود در بقعه امامزاده علی بن حمزه از ابراهیم سلطان به خط ثلث (راست) (صحراگرد، ۱۳۹۲: ۵۹) و کتیبه موجود در شاهزاده فاضل یزد، قرن ۹ق (چپ) (دانش یزدی، ۱۳۸۷: ۱۶۸)

طبق آمار جدول فوق شهرهای یزد، مازندران و هرات از فراوانی بیشتری در این زمینه برخوردارند. این در حالی است که سه کانون مهم شیعی مشهد، قم و شیراز که امام هشتم (ع) و خواهر (حضرت معصومه (س)) و برادر وی (علی بن حمزه) را در خود جای داده‌اند نیز در این زمان مورد عنایت قرار گرفتند. به عبارت دیگر در این مورد، یک عامل را می‌بایست هم از نظر

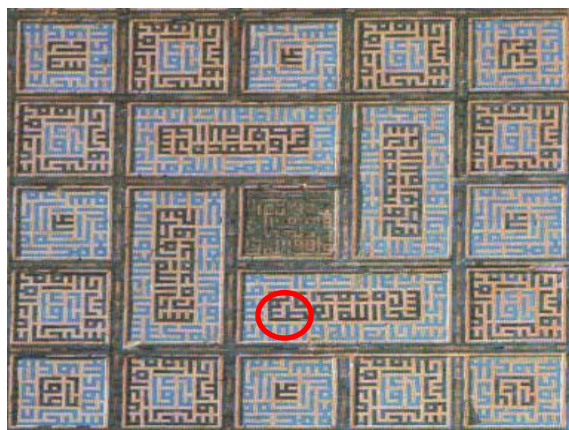
۱۱۰ / بررسی نظری مفهوم «هنر شیعی» با تأکید بر مطالعه رویکردهای شیعی در ... / وحید عابدین پور و ...

فراوانی و هم به لحاظ اهمیت مورد بررسی قرار داد. در همین رابطه بیشترین تعداد امامزادگان را فرزندان و نوادگان امام صادق^(ع)، امام کاظم^(ع) و برادران و برادرزادگان امام رضا^(ع) تشکیل داده‌اند. به این ترتیب شبکه‌ای از امامزادگان در این زمان بازسازی و احیا شدند که نقطه اتصال آن‌ها حرم امام هشتم^(ع) در مشهد بود. توجه و اهمیت جایگاه حرم امام هشتم^(ع) در این دوره را می‌توان معلول حضور شیعیان و سادات در مدیریت و تولیت آن، موارث فرهنگی و هنری تیموریان و احترام و حمایت سلاطین ترک و بیگانه نسبت به آن دانست.
(may Farhat, 2014: 201-216; may Frahat, 2002: 82-110)

با توجه به اظهارات مذکور و توضیحاتی که در ادامه داده خواهد شد، بارگاه امام رضا^(ع) را می‌توان به‌عنوان یک مدل جامع عینی و مفهومی هنر شیعی و الگویی برای توسعه آن عنوان نمود. مدلی که به‌ویژه از قرن ۹ ق و مقارن با جریان روبه‌رشد تشیع اهمیت یافت و در گسترش این هنر در سایر نواحی نیز اثر گذاشت. نمونه آن معماری گنبد خشتی یا بنای مربوط به امامزاده سلطان محمد در شمال مزار امام هشتم^(ع) است. ساده‌نگاری است اگر معماری زمان‌بر، پردقت، همراه با جزئیات زیاد و هزینه‌بر بنا و به‌ویژه گنبد آن را با فضای مذهبی جامعه عصر تیموری بی‌ارتباط بدانیم. به‌خصوص که محققان حوزه معماری، گنبد آن را از نمونه‌های نادر گنبدسازی در معماری ایرانی می‌دانند (اوکین، ۱۳۸۶: ۲۹۳). بدیهی است علائق مذهبی و وجود جمعیت کثیر زائران در این زمینه بی‌تأثیر نبوده‌اند. به واسطه همین اعتقاد عمومی بود که درصد بالایی از واقفان و بانیان بازسازی آرامگاه امامزادگان را دولتمردان و شاهزادگان تیموری تشکیل می‌دادند. خارج از موضوع اعتقاد یا عدم اعتقاد آن‌ها، همراهی و احترام به عقاید عمومی به‌دلایل سیاسی، شاهزادگانی نظیر شاهرخ، بایسنغر و الغ بیک را به این کار تحریض و یا تحریک می‌کرد (سمرقندی، ۱۳۶۷: ۱۷۵). در این میان نقش و اهتمام ویژه سلطان حسین بایقرا به همراه وزیرش امیرعلیشیر نوایی سبب شد تا شهر هرات از نظر احیا و توجه به مزار امامزادگان، در مقام مقایسه با شهرهای مذهبی ایران نظیر یزد قرار گیرد. امامزاده «شش نور» در این شهر علاوه بر این‌که از نمونه‌های نادر معماری تیموری محسوب می‌شد، زائرانی چون زین‌الدین خوافی هم داشت که پیوسته و به منظور طلب حاجت به زیارتش می‌رفتند (واعظ هروی، بی‌تا، حصه اول: ۸۵).

در کنار کالبد و ماهیت مذهبی این نوع ابنیه، روبنا و تزئینات آن‌ها نیز به لحاظ دربر داشتن مفاهیم مهم شیعی نظیر آیات، احادیث، نسب‌نامه‌ها، اشعار، اذکار و اسامی، همسو و تأثیرگذار بودند. مزار عبدالله عریضی در یزد تبدیل به کانونی شد که در اطراف آن قبور بزرگان علمی، سیاسی و مذهبی طبق وصیت آن‌ها قرار گرفتند. افرادی که اغلب در مرمت و اختصاص دادن

اوقاف به این مزار هم شرکت داشتند. وجود «آیه تطهیر» (سوره احزاب، آیه ۳۳) به همراه اشعار زیر در این کانون کوچک مذهبی، بازتاب ایجاد فضای مناسب به منظور نشر اندیشه‌های اصیل شیعی در مناطق ایران مرکزی و جامعه مذکور است. (کاتب، ۱۳۴۵: ۱۵۰)



شکل ۴- شهادتین شیعی و تکرار نام علی در آرامگاه خواجه

عبدالله انصاری (شایسته‌فر، ۱۳۸۴: ۱۰۱)

جمله کانون‌های مناسبی برای این منظور بودند. در این نوع ابنیه فراتر از نوع مفاهیم به‌کاررفته، شیوه کاربرد آرایه‌ها و نقش‌مایه‌ها هم اغلب متناسب با نوع کارکرد و ماهیت بنا انتخاب می‌شد. چنان‌که ترکیب و تکرار کلمه علی در قالب اشکال هندسی و گیاهی به‌صورت منفرد و یا در ترکیب با کلمه الله در دورتادور مناره هشت ضلعی بقعه شاه نعمت‌الله ولی در ماهان کرمان به سال ۸۴۰ ق، (شایسته‌فر، ۱۳۸۴: ۱۰۵) نمونه‌ای از نمایش اذکار، آداب و اعمالی است که جنبه صوفی - شیعی داشتند. آرامگاه خواجه عبدالله انصاری از دیگر نمونه‌های شاخص از حیث ماهیت عرفانی، توجه حکمرانان و احترام عمومی است که کاربرد ذکر شهادتین شیعی و اسامی تکراری الله، محمد و علی در آن، جایگاه تشیع را در سه مورد فوق نشان می‌دهد.

اما مهمتر از این موارد وجود آیه ۵۵ سوره مائده است (ویلبر، ۱۳۷۴: ۶۸۷) که به عقیده شیعه از آیات متقن در اثبات امامت و ولایت بعد از پیامبر (ص) می‌باشد. وجود اذکار و شهادتین و تزئینات شیعی در آرامگاه عطار نیشابوری، که تحت نظارت و حمایت امیرعلیشیرنویسی انجام پذیرفت (مرادی غیاث‌آبادی، ۱۳۹۲: ۱۰۴۷)، مؤلفه سومی به نام زبان و ادب فارسی را نیز به دو مؤلفه عرفان و تشیع اضافه می‌کند و مجموعه‌ای از چیدمان هنرمندانه مؤلفه‌های هویت ایرانی را شکل می‌دهد.

خانقاه‌ها از دیگر ابنیه‌ای هستند که با کارکردهای متنوع آرامگاهی، علمی و عرفانی، نمود عینی و البته هنری پیوند دو جریان مهم تشیع و تصوف بودند. به همین نسبت پیروان، اعضا و هنرمندان و معماران عضو گروه‌های صوفی نیز باورهای صوفیانه و مذهبی خویش را در آثار هنری منعکس می‌ساختند. مدفن شیوخ صوفی (و خانقاه‌ها) از

در سال ۸۸۵ق در روستای خواجه خیران در نزدیکی بلخ سنگ قبری پیدا شد که با استناد به اخبار گذشته و نوشته‌های روی آن، مزار حضرت علی^(ع) نامیده شد. هزینه‌های سلطان حسین بایقرا اعم از احداث بنای عظیم روی قبر، جاری‌ساختن کاریزی برای آن، تخصیص موقوفات متعدد و گماردن نقیبان و متولیان برای اداره آن (خوافی، ۱۳۵۷: ۲۷۸/۱؛ خواندمیر، ۱۳۶۲: ۱۷۲/۴؛ فرهانی‌منفرد، ۱۳۸۲: ۱۵۲) زمینه‌ساز توسعه روستا و شکل‌گیری شهری به نام مزار شریف گردید. شهری که شهرت شهر بلخ را تحت‌الشعاع قرار داد. بی‌شک سوای توجه دولت، اقبال عمومی به این مکان که در زمره آثار زیارتگاهی جای می‌گیرد، سبب توسعه آن گردید و از سوی دیگر توسعه معماری بنا سبب گسترش شهر و اندیشه‌های شیعی شد. منزه معتقد است تأیید عجولانه سلطان حسین بایقرا، ناشی از اندیشه ظل‌اللهی و احترام به اماکن مقدس می‌باشد (منزه، ۱۳۹۲: ۳۱۹) اما با توجه به این‌که وجود این زیارتگاه سبب تبدیل تدریجی روستای مذکور به شهری مهم گردیده است، روند روبه‌رشد تشیع در این مهم اهمیت بیشتری نسبت به موارد فوق دارد. به عبارت دیگر ساخت دارالسیاده‌ها را — که به لحاظ تعداد و اهمیت، می‌توان نوع سوم از آرامگاه‌های مذهبی بعد از آرامگاه امامزادگان و شیوخ صوفی دانست — مرهون علاقه و احترام به سادات و روحانیون چه در دوران حیات و چه پس از وفات ایشان از سوی حکومت و جامعه بودند (زمجی اسفزاری، ۱۳۳۹: ۱۷۱/۲).

این نوع بنا معمولاً یا به صورت مجزا و یا بر روی قبور سادات بنا شده و تولید آن‌ها هم به فردی از همین قشر تعلق می‌گرفت. مانند بقعه شهشهان در اصفهان که به دستور سلطان محمد بن بایسنغر (م ۸۵۸ق) در سال ۸۵۲ق بر روی مزار سید شاه علاءالدین محمد (نقیب سادات اصفهان) بنا شد و تولیت آن نیز به یکی از سادات تعلق گرفت (خوافی، ۱۳۳۹: ۱۱۳/۲؛ جوادی، ۱۳۶۳: ۵۰۷/۲؛ منزه، ۱۳۹۲: ۲۸۰). دارالسیاده گوهرشاد را که مابین مسجد و حرم رضوی قرار گرفت به لحاظ نوع کتیبه‌ها، موقعیت مکانی و کارکردهای آن، می‌توان به عنوان الگو و مدلی جامع از این دست ابنیه معرفی نمود. هنرمندانی چون سلطانعلی مشهدی و میرعلی هروی در این محل اشعار و ذوق کتابت خود را به امام هشتم^(ع) تقدیم نموده‌اند.

محل دفن و مقابر سادات (دارالسیاده) در این زمان همچنین از ظرفیت تبدیل‌شدن به گورستان‌های عمومی و سلطنتی هم برخوردار بودند. به طوری‌که سید برکه که توسط تیمور از کرمان به سمرقند منتقل گردید، پس از مرگ، محل دفنش تبدیل به «گور امیر» یا قبر تیمور و فرزندان و نوادگانش گردید (سمرقندی، ۱۳۶۷: ۱۷۴؛ واعظ هروی، بی‌تا، حصه اول: ۲۱).

۴-۳-۲- مساجد

از آن‌جا که مساجد کانون شکل‌گیری و رشد فرهنگ و تمدن اسلامی بوده‌اند، توجه به معماری این نوع بنا اعم از کالبد و تزئینات آن از مسیرهای اصلی بررسی سیر تحول، تغییر و تداوم هنر اسلامی و البته هنر شیعی می‌باشد. هرچند در این میان واکاوی نوع اندیشه‌ها و عقاید مذهبی منتقل شده از طریق آنان، از اهمیت بیشتری برخوردار است. چرا که علاوه بر تأثیرگذاری بر سبک‌های هنری، در فهم فضا و عناصر پیرامونی دخیل در ایجاد یا عدم ایجاد آن‌ها، نوعی سند تاریخی به حساب می‌آیند. از منظر تاریخی سقوط خلافت عباسی مقطعی است که بعد از آن به تدریج مساجدی با ساختار و تزئیناتی متناسب و همسو با عقاید شیعی افزایش یافتند. این موضوع به‌ویژه در مورد مناطقی مانند ایران که شیعیان در حال افزایش بوده و ثانیاً در پی تقویت مقام و موقعیت خویش بودند، ملموس‌تر بود. چنان‌که از دوره ایلخانی و خاصه عصر تیموری تغییرات ایجاد شده در مساجد از پیش موجود و نویناد مؤید این مطلب‌اند.

جدول ۲- رویکردهای شیعی در برخی مساجد جامع مهم و تاریخی ایران در عصر تیموری

ردیف	نام	سال/مکان	بانی/هنرمند	شاخصه‌های شیعی
۱	مسجد جامع گوهرشاد	۸۲۱ق/مشهد	گوهرشاد/ قوام‌الدین شیرازی	درب‌گیرنده مجموعه‌ای از مؤلفه‌های شیعی نظیر آیات، ادعیه، احادیث، نسب‌نامه‌ها و اسامی شیعی و فضاهای خاص معماری
۲	مسجد جامع اصفهان	۸۵۱ق/اصفهان	محمدبن بایسنغر/عماد ورزنه‌ای	قسمت بیت‌الستاء با حدیث «انا مدینه العلم و علی بابها» در قرن ۹ق به آن اضافه شدند.
۳	مسجد جامع یزد	قرن ۹ق/یزد	شاه نظام کرمانی / بهاء‌الدین هزار اسپ	به کار رفتن اسامی ۱۲ امام و شهادتین شیعی بر روی گنبد و دعایی که بقای دولت شاهرخ را در سایه عنایت اهل بیت می‌داند.
۴	مسجد جامع ورزنه	۸۴۷ق/اصفهان	محمود بن مظفر ورزنه‌ای	در زمان شاهرخ همرا با کتیبه‌هایی در ذکر شهادتین شیعی و تمجید از اهل بیت ساخته شد.

در قرن ۹ ق ساخته شد و دارای کتیبه‌های شیعی است. (okane,1995: 137)	—	۸۷۸ق/یزد	مسجد جامع بُندرآباد یزد	۵
دروازه ورودی و مناره آن دارای اسامی الله، محمد و علی می‌باشد. (شایسته‌فر، ۱۳۸۱: ۸۳)	تیمور	(۸۰۸-۸۰۱ق)	مسجد جامع سمرقند	۶
کتیبه‌هایی همراه با ستایش دوازده امام (شایسته‌فر، ۱۳۸۱: ۸۶)	جلال‌الدین امیر چخماق شامی	یزد/۸۴۱ق	مسجد جامع میرچخماق یزد	۷

علامت — نمایشگر عدم اطلاعات است.



شکل ۵- تصویر چپ: تکرار نام علی در کتیبه مسجد جامع ورزنه (مأخذ: آرشیو شخصی استاد راهنما). تصویر راست: کتیبه شهادتین شیعی بر روی گنبد مسجد گوهرشاد مشهد (منبع: آرشیو شخصی نگارنده)

وجود تغییرات جزئی در مساجد، بیانگر تغییرات در سطح کلان اجتماعی است. چنان‌که دقت در موارد فوق نشان می‌دهد که اولاً این ابنیه از نوع مساجد جامع هستند که نسبت به مساجد از نوع محلی و تدفینی هم که در این دوره وجود داشتند، از جایگاه مهم‌تری برخوردارند. ثانیاً از نظر اهمیت، این مساجد در عصر حاضر نیز به لحاظ شهرت، قدمت، تزئینات و نوع معماری از آثار شاخص مذهبی کشور به حساب می‌آیند. ثالثاً در مقابل ۴۰٪ از آمار فوق که در این دوره مرمت شده و از تزئیناتی برخوردار شدند، ۶۰٪ مابقی در قرن ۹ق احداث شدند که برخی از آن‌ها مانند مسجد جامع گوهرشاد از شهرت فراگیر و ماندگار برخوردار گردیدند. این مسجد که با حمایت مستقیم گوهرشاد خاتون، همسر شاهرخ در سال ۸۲۱ق ساخته و دارالسیاده و دارالحفاظی به منظور توسعه حرم به آن افزوده گردید (منشی قمی، ۱۳۵۹: ۸۰)، از چند منظر حائز ویژگی‌های قابل تعمقی در باب جستجوی خط سیر تشیع و هنر شیعی است. اولاً به دلیل نزدیکی بنا به روضه مقدسه امام رضا(ع) آن را در میان سایر موارد مشابه، شاخص ساخته است. ثانیاً دخالت و نظارت شاهرخ و همسرش، بایسنغرمیرزا کاتب ایوان مقصوره و قوام‌الدین شیرازی معمار بنا، موضع دولت را در خصوص جریان تشیع روشن می‌کند. ثالثاً وجود آیات، احادیث، ادعیه و اشعار شیعی است که در کتیبه‌های آن به کار رفته است. رابعاً وقف‌نامه‌ای که توسط گوهرشاد تنظیم شده و حضور و توجه به شیعیان در آن مشهود است (اوکین، ۱۳۸۶: ۲۴۷-۲۴۸؛ شایسته‌فر، ۱۳۸۴: ۱۲۲).



شکل ۶- تصویر ذکر صلوات بر ائمه در مسجد شاه (هفتاد و دو تن) مشهد
(تصویر، آرشیو شخصی نگارنده)

باب‌شدن ساخت ابنیه علمی، آرامگاهی، عبادی، مذهبی و اجتماعی در جوار مقابر علویان یکی از ویژگی‌های معماری شیعی ایرانی قرن نهم قمری و قبل از ظهور صفویه است. در این باره همچنین به مدارسی می‌توان اشاره کرد که علاوه بر این موضوع، به لحاظ نیت بانی، کتیبه‌ها و نوع کاربری، دارای ماهیت شیعی بودند. پریزاد (ندیمه گوهرشاد) با اضافه مصالحی که گوهرشاد از بقایای مسجد در اختیارش قرار داد، مدرسه‌ای را به همین نام در کنار حرم رضوی و در فاصله سال‌های ۸۲۰ تا ۸۳۰ق بنا نهاد. این مدرسه در زمره قدیمی‌ترین مدارس علمیه

شهر مشهد است که در مجاورت مسجد گوهرشاد و روبه‌روی مدرسه دو در احداث شده است. این بنا زمانی در حاشیه بازار قدیمی زنجیر قرار داشت. بانی مدرسه پس از احداث، آن را وقف طلاب زائر امام رضا^(ع) می‌کند و موقوفات بسیاری نیز بر آن وقف می‌کند. در بخشی از وقف‌نامه‌ای که به تاریخ ۸۲۳ق تنظیم شده آمده که قسمتی از درآمد حاصل از مزارع موقوفه صرف پذیرایی از خادمین حرم در روز عید غدیر گردد و قسمتی به طلاب علوم دینی اختصاص یابد. در مقابل آن مدرسه «دودر» توسط امیر یوسف خواجه بهادر (م ۸۴۶ق) از اعقاب شیخ علی بهادر (از سرداران تیمور) در ۸۴۳ق با دو گنبد ساخته شد. دور تا دور این مدارس با واژه‌ها و آرایه‌های شیعی تزئین شده است. حدیث «برتری عالم بر عابد همچون برتری ماه بر دیگر ستارگان است» از حضرت علی(ع) که متناسب با مکانش انتخاب شده، در محراب مدرسه پرزاد به کار رفته است (اوکین، ۱۳۸۶: ۴۴۷؛ خزائی، ۱۳۸۸: ۶۵). در فضای حرم رضوی همچنین مدرسه شاهرخی (بالا سر) در ۸۳۰ق و در نزدیکی پنجره فولاد ساخته شد (منشی‌قمی، ۱۳۵۹: ۶۲). مدارس مهم دیگری هم در شهرهایی چون اصفهان (نصرآباد)، هرات (اخلاصیه) و خواف (غیاثیه) ساخته شدند. در کتیبه‌های مدرسه غیاثیه (ساخته: ۸۴۵ق) حدیث معروف «انا مدینه العلم و علی بابها» به شکل هنرمندانه و به صورت اسامی علی در گرداگرد نام محمد طراحی شده است (شایسته‌فر، ۱۳۸۴: ۱۰۵). یا مدرسه اخلاصیه که علاوه بر علم، مدفن سادات و زیارتگاه زائران هم بود (واعظ هروی، بی تا، حصه اول: ۱۱۹). اهمیت یافتن مراسم روضه‌خوانی در مصیبت اهل بیت (به‌ویژه حادثه کربلا و روز عاشورا) که به همراه تألیف کتبی با محتوای مذکور صورت پذیرفت، زمینه‌ساز توسعه «حسینیه‌ها» در این دوره گردید (افشار، ۱۳۴۸: ۷۶/۱). حسینیه‌ها بیشتر به لحاظ عنوان و نوع کارکردشان از ظرفیت ویژه‌ای در انعکاس ارتباط معماری و هویت ایرانی برخوردارند. در این زمان کتیبه‌ها و آرایه‌های شیعی در بناهایی با ماهیت سیاسی و اقتصادی همچون بنای آق سرای (کاخ سفید، ۷۸۱ق) در سمرقند و بازار میر چخماق در یزد هم به کار رفتند (شایسته‌فر، ۱۳۸۴: ۱۱۵؛ یزدی، ۱۳۸۷: ۱۰۲/۱). وجود کتیبه‌هایی در مدح دوازده امام در مسجد جامع و بازار میرچخماق یزد به‌عنوان دو عنصر کلیدی و مهم هر شهر بیانگر پراکندگی وسیع تشیع اثنی‌عشری در شهر یزد به‌خصوص در عصر حاکمیت امیر چخماق و شاهرخ تیموری، که در مذهب تسنن تعصب داشت، می‌باشد. (افشار، ۱۳۴۸: ۷۶/۱؛ هنرفر، ۱۳۵۵: ۶-۱۹)

۴-۳-۳- حرم امام رضا^(ع)

در قرن ۹ق و هم‌زمان با دوران حاکمیت تیموریان فصل قدیمی معماری بارگاه امام هشتم^(ع)

تاریخ اسلام و ایران، دوره ۲۹، شماره ۴۲، تابستان ۹۸ / ۱۱۷

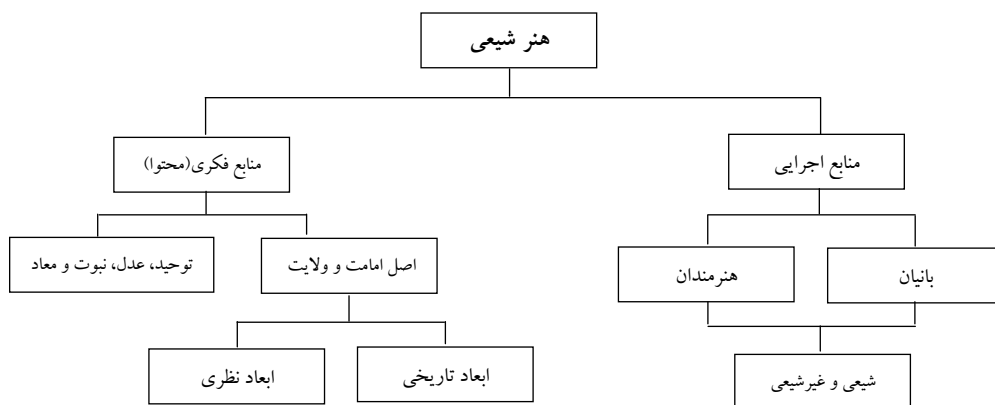
سپری شده و فصل جدیدی در آن شروع شد. به عبارتی پس از جسارت مغولان و برای اولین بار از سوی حکومت توجه ویژه و نسبتاً زیادی نسبت به ادوار ماضی به این بنا صورت پذیرفت. همچنین حرم به لحاظ وسعت ارضی، تأسیسات زیرساختی، آثار معماری و حجم تزئینات در این زمان، دوران متفاوتی را سپری نمود. توجه به فهرست اقدامات انجام شده موضوع را بهتر تبیین می‌کند.

جدول ۴- انواع فعالیت‌های عمرانی و فرهنگی در حرم رضوی در عصر تیموری

ردیف	انواع فعالیت‌های عمرانی و فرهنگی در حرم رضوی در عصر تیموری
۱	احداث مسجد بزرگ گوهرشاد در سال ۸۲۱ق با هنرمندی بایسنغر میرزا و معماری قوام‌الدین شیرازی همراه با اضافه کردن دارالسیاده و دارالحفاظ (عطاردی، ۱۳۷۱: ۲۰۲/۱)
۲	احداث مدرسه شاهرخی در نزدیکی پنجره فولاد با حمایت شاهرخ (عطاردی، ۱۳۷۱: ۲۰۲/۱)
۳	تکمیل عمارت گوهرشاد و اضافه نمودن چهارباغ و اقامتگاه توسط شاهرخ (میرخواند، ۱۳۷۳: ۱۱۵۴/۶)
۴	تکمیل تزئینات و کتیبه‌های حرم در زمان سلطان حسین بایقرا و با هنرمندی میرعلی هروی و سلطانعلی مشهدی (یزدی، ۱۳۸۷: ۱۰۲/۱)
۵	دفن هنرمندانی همچون سلطانعلی مشهدی در نزدیکی پنجره فولاد و شاهزادگان و امرایی نظیر امیر شاه ملک (زمجی اسفزاری، ۱۳۳۹: ۱۰۲/۱)
۶	ساخت مدرسه پریزاد (۸۳۰-۸۲۰) و مدرسه دو در (۸۴۳ق)
۷	اجرای رسومی همچون رسم صدقه‌دادن، ادعیه‌خوانی، تقاره‌زنی و اهدای نذورات در کنار حرم توسط شاهزادگانی نظیر ابوسعید میرزا و سلطان حسین بایقرا (سمرقندی، ۱۳۸۳: ج ۲، ۸۷۹/۲د، ۱۰۱۱)
۸	ساخت اولین پنجره فولاد برای قبر مطهر در زمان شاهرخ با توجه به وجود قدیمی‌ترین پنجره فولادی که مربوط به این زمان می‌باشد و به‌نوعی تأییدکننده احتمال ساخت اولین ضریح برای قبر مطهر در قرن ۹ق می‌باشد. همچنین اهدای قندیلی به وزن ۵۰۰ یا ۳۰۰۰ مثقال توسط شاهرخ به حرم مذکور. (حافظ ابرو، ۱۳۷۲: ۶۹۳/۲؛ میرخواند، ۱۳۷۳: ۱۱۵۴/۶)
۹	ساخت قنات و کاریز برای حرم در اواخر قرن ۹ق و در دوره حکومت سلطان حسین بایقرا. (ویلبر، ۱۳۷۴: ۶۹۹)
۱۰	احداث و اضافه نمودن صحن عتیق و ایوان جنوبی توسط امیر علیشیر نوایی در سال ۸۷۵ق. در این ایوان صفه‌ای به نام امیر علیشیر و کتیبه‌ای با نام سلطان حسین بایقرا هم وجود داشت. (نوایی، ۱۳۶۳: مقدمه یا؛ عطاردی، ۱۳۷۱: ۲۰۲/۱)
۱۱	جاری ساختن آب از چشمه گل (گلسب) در شمال مشهد به سمت شهر مشهد و حرم توسط

<p>امیر علیشیر نوایی. این چشمه را شاه عباس در ۱۰۲۲ق در وقف زوار حرم قرار داد. (نوایی، ۱۳۶۳: مقدمه یه؛ عطاردی، ۱۳۷۱: ۲۳۶/۱)</p>	
<p>۱۲ تعمیر و گسترش مسجد بالاسر (از اولین مساجد ساخته شده در کنار مدفن امام، مقبره خالصی فعلی) هم‌زمان با ساخت دارالسیاده مسجد گوهرشاد و نصب درب منبت کاری شده امیرنظام عبدالحی ابن امیر طاهر) در آن می‌باشد. (اداره پژوهش آستان قدس رضوی، شماره ۹۳۰۶۵۴)</p>	

اما علاوه بر ابعاد تاریخی، حرم امام هشتم^(ع) را می‌توان به‌عنوان یک مدل عینی و مفهومی هنر شیعی معرفی نمود. مدلی که در مقطع مذکور به میزان قابل توجهی در ابعاد مختلف رشد یافته و به قالب تکامل یافته خویش نزدیک گردید. مهم‌ترین شاخصه حرم، وجود امامی مدفون در آن است. امامی که علاوه بر ویژگی‌های خاص خود، نمادی از مجموعه ویژگی‌های اصل امامت در اسلام و به‌خصوص مذهب تشیع می‌باشد. اصلی که در کنار اصول توحید، عدل، نبوت و معاد هویت می‌یابد. هویتی که هم به لحاظ تاریخی و هم در قالب نظری موجودیت یافته و تداوم دارد. آیات، احادیث، منابع فقهی، کلامی و تفاسیر موجود به‌عنوان منابع نظری و شخصیت‌ها، حوادث و وقایع، سیره و سنت زندگی پیامبر^(ص) و ائمه^(ع) ابعاد تاریخی آن را تشکیل می‌دهند. اصل امامت همچنین کلیتی بود که موضوعاتی چون دوازده امام، غیبت و ظهور، عدالت، ولایت و تداوم حکومت اسلامی با جانشینی رهبر منصوب را دربر می‌گرفت. جدای از این مفاهیم، شیوه و شمایل هنر شیعی است که متناسب با مفاهیم و اصول مذکور بوده و به‌عنوان جزئی از هنر اسلامی، قابلیت انعکاس آن‌ها را به صورت عینی و ذهنی داشت. چنان‌که ساختار و سبک معماری، خوشنویسی، نقاشی، موسیقی و کاشیکاری به‌کاررفته در حرم امام هشتم^(ع) (به ویژه در عصر مورد نظر) بازگوکننده بخشی از آن‌هاست.



شکل ۷- نمودار سنجش ماهیت هنر شیعی از منظر حرم امام هشتم^(ع) (مأخذ: یافته‌های تحقیق)

اما کاربست و یا به اصطلاح اجرای عناوین مذکور به دست عناصر و افرادی بود که به دو گروه عمده حامی (حمایت سیاسی، مذهبی و مالی) و مجری (هنرمندان) تقسیم می‌شدند. نکته مهم که به‌ویژه در مورد حامیان مصداق دارد، این بود که عناصر مذکور لزوماً از شیعیان نبودند. هرچند بدون شک وجود اعتقاد به باورهای شیعی (به‌ویژه در هنرمندان) در خلق چنین آثاری نقش مستقیم داشته است. چنان‌که در مورد حرم مورد نظر در عصر تیموری دیده می‌شود، اغلب هنرمندان مانند سلطانعلی مشهدی الهام و توسل به منبع امامت را سرچشمه الهام هنری خود می‌دانستند. در مقابل هنرمندانی چون بایسنغر میرزا و بانیانی نظیر شاهرخ، گوهرشاد، سلطان حسین بایقرا و امیرعلیشیر نوایی از اهل تسنن به شمار می‌آمدند. به این ترتیب بارگاه امام رضا^(ع) در ایران را می‌توان به عنوان الگو و مصداق هنر شیعی در ابعاد فکری، اجرایی، روش و سیر تاریخی در نظر گرفت.

نتیجه‌گیری

هنر از حیث ماهیت دارای دو بعد عمده عینی و ذهنی یا ملموس و ناملموس و ساختاری و مفهومی است. به همین ترتیب انواع هنرها تعریف و ساخته می‌شوند. نقص یا ضعف در یکی از ابعاد، سبب جای‌گرفتن یک هنر در ذیل و یا در جزء هنر دیگر و البته با حفظ تعریف خویش می‌گردد. بنابراین تقسیم هنرها به کلی و جزئی از این مقوله نشأت می‌گیرد. در این خصوص بدیهی است که از حیث اولویت و تقدم، بُعد محتوایی و مفهومی مقدم بر بُعد ساختاری و کالبدی در هنر و معماری است. به دیگر سخن، تا محتوا و درون‌مایه‌ای از یک موضوع، باور و یک هویت موجود نباشد، تجسم آن در هنرهای تجسمی و معماری را نمی‌توان متصور بود. عنصر زمان عامل دیگری برای تکامل هنر در ابعاد دوگانه خویش و برحسب تقدم ذکر شده است. هنر اسلامی اگرچه در نیمه دوم قرن اول هجری و عمدتاً در نمادهای بصری و نوشتاری به کار رفته در معماری متبلور گردید، اما تا اواخر قرن دوم هجری استقلال در ابعاد دوگانه و یا تعریف «هنر اسلامی» را پیدا نکرد. به همین نسبت هنر شیعی در ادوار مختلف تاریخی سیر تکاملی خود را طی نمود. بعد از سقوط خلافت عباسی و از قرن هفتم هجری به بعد و با گسترش اندیشه‌های کلامی و عقلی مذهب تشیع و پیوند با جریان‌هایی نظیر تصوف، بستری برای انعکاس و نمایش درون‌مایه‌های مذهبی به‌ویژه در معماری پدید آمد. بالطبع و با توجه به تعریف هنر، در این زمان و تا قبل از روی‌کارآمدن صفویان، وجه محتوایی این هنر پررنگ‌تر بوده و تعریف هنر شیعی عمدتاً در قالب کاربرد نمادهای بصری (اشکال هندسی، تصاویر، نقوش و نقش‌مایه‌ها) و نمادهای نوشتاری (کتیبه‌های

۱۲۰ / بررسی نظری مفهوم «هنر شیعی» با تأکید بر مطالعه رویکردهای شیعی در ... / وحید عابدین پور و ...

دربرگیرنده آیات، احادیث، اشعار، روایات، اذکار و سخنان) در بستر و زمینه معماری اسلامی شکل گرفت. شکل‌گیری چنین هنری در این زمان هرچند به صورت غیرمستقیم تبیین‌کننده واقعیت تاریخی رشد تدریجی این مذهب در جامعه ایران قبل از تشکیل حکومت صفویه می‌باشد. چرا که تحول و تغییر در درون‌مایه‌های هنر بازگوکننده تحولات اجتماعی هم‌زمان با آن می‌باشد. در این رابطه باید افزود که زمانی یک اثر هنری صفت شیعی می‌گیرد که نه به واسطه یک نشانه و نمود بصری بلکه در کنار آن به لحاظ دارا بودن مجموعه‌ای از عوامل نظیر: موقعیت مکانی، شرایط تاریخی و بنیان‌های نظری و اجتماعی شکل‌دهنده آن نیز واجد چنین صفتی باشد. موضوعی که تحقیق حاضر بیشتر به آن‌ها پرداخته است.

از طرفی و با توجه به وجود دو زمان قطعی و تقریبی برای ایجاد و رواج انواع هنرها، عصر تیموری را می‌توان زمان تقریبی رواج (نه شروع) و تداوم حضور مؤلفه‌های شیعی در هنر و به‌ویژه معماری ایرانی دانست که در عصر صفویه به زمان قطعی مبدل گردید. در این رابطه و از نظر نوع بنا، انواع دارالسیاده‌ها، زیارتگاه‌ها، امامزادگان، مساجد جامع، مدارس و آرامگاه‌های شیعی ساخته یا بازسازی شدند و از نظر تزئینات و درون‌مایه هم اذکار، احادیث و آیاتی با این رویکرد در تزئینات و کتیبه‌های این ابنیه به کار رفتند. در همین رابطه حرم امام هشتم (ع) در مشهد را می‌توان به‌عنوان یک مدل جامع عینی و مفهومی معماری شیعی در ایران و همچنین الگویی برای تداوم تاریخی آن عنوان نمود. با عنایت به جایگاه مساجد جامع در رصد تحولات مذهبی در جوامع اسلامی، حرکت مهم دیگر در این زمان ساخت و یا تزئین و مرمت مساجد جامع نظیر مسجد جامع اصفهان، ورزنده، مشهد، یزد، هرات و سمرقند با رویکرد شیعی بود.

به‌طورکلی اصطلاح هنر و معماری شیعی در این زمان به بخشی از هنر اسلامی اطلاق می‌شود که به بیان، نمایش و یا انتقال اعتقادات، تفکرات، ارزش‌ها، مفاهیم، شخصیت‌ها، آداب و آیین‌ها، مراسم، جریان‌ها و حوادث برگرفته از تاریخ و مذهب تشیع در ابعاد عینی و محتوایی می‌پردازد.

منابع و مأخذ:

- افشار، ایرج (۱۳۴۸): یادگارهای یزد، ج ۱ و ۲، تهران، انجمن آثار ملی.
- اوکین، برنارد (۱۳۸۶). معماری تیموری در خراسان. ترجمه علی آخشینی. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- بورکهارت، تیتوس (۱۳۶۵). هنر اسلامی زبان و بیان. ترجمه مسعود رجب‌نیا. تهران: سروش.
- تولستوی، لئون (۱۳۸۸). هنر چیست. ترجمه کاوه دهگان. تهران: امیرکبیر.
- جعفریان، رسول (۱۳۷۵). تاریخ تشیع در ایران. جلد ۲. قم: انصاریان.
- جوادی، آسیه (۱۳۶۳). معماری ایران، جلد ۲. تهران: خوشه.
- حافظ ابرو، عبدالله بن لطف‌الله (۱۳۷۲). زبدة‌التواریخ، تصحیح سید کمال حاج‌سیدجوادی. جلد ۲. تهران: نشر نی.
- حسینی، سید محسن (۱۳۹۰). کتیبه‌های تیموری در خراسان. جلد ۱. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- حسینی، هاشم و فراشی، حسین (۱۳۹۳). «تحلیل جنبه‌های نمادین شیعی در تزئینات مسجد جامع یزد». فصلنامه نگره. شماره ۲۹: صص ۳۳ - ۳۴.
- خزائی، محمد (۱۳۸۱). مجموعه مقالات اولین همایش هنر اسلامی. تهران: مؤسسه مطالعات هنر اسلامی.
- ----- (۱۳۸۸). «ساختار و نقش مایه‌های مدارس تیموری». مطالعات هنر اسلامی، شماره ۱۱: صص ۵۹ - ۷۸.
- خسروبیگی، هوشنگ (۱۳۹۲). «نقش آل‌بویه در تعمیق فرهنگ شیعی». پژوهش‌نامه تاریخ. سال هشتم. شماره ۳۰: صص ۸۶ - ۱۰۰.
- خوافی، ابوالقاسم شهاب‌الدین (۱۳۵۷). منشأ الانشاء، ۲ جلد. به قلم نظام‌الدین عبدالواسع نظامی باخزری. به کوشش رکن‌الدین همایون‌فرخ. تهران: دانشگاه ملی ایران.
- خوافی، فصیح‌الدین احمد (۱۳۳۹). مجمل فصیحی. ۳ جلد. تصحیح محمد فرخ. مشهد: باستان.
- خواندمیر، غیاث‌الدین محمد (۱۳۶۲). حبیب‌السير، زیر نظر محمد دبیرسیاقی. جلد ۳ و ۴. تهران: کتابفروشی خیام. چاپ ۳.
- ----- (۱۳۷۲). مآثر الملوک (به ضمیمه خلاصه الاخبار)، تصحیح میرهاشم محدث، بی‌جا: رسا.
- دانش یزدی، فاطمه (۱۳۸۷). کتیبه‌های اسلامی شهر یزد. تهران: سبحان نور.
- زمجی اسفزاری، معین‌الدین (۱۳۳۹). روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات. به کوشش سیدمحمدکاظم امام. جلد ۲. تهران: دانشگاه تهران.

۱۲۲ / بررسی نظری مفهوم «هنر شیعی» با تأکید بر مطالعه رویکردهای شیعی در ... / وحید عابدین پور و ...

- سمرقندی، عبدالجلیل و ابوطاهر (۱۳۶۷). *تقدیه و سمریه (دو رساله در مزارات و جغرافیای سمرقند)*. به کوشش ایرج افشار. تهران: مؤسسه فرهنگ جهانگیری.
- شامی، نظام‌الدین (۱۳۶۳). *ظفرنامه*. به اهتمام پناهی سمنازی. تهران: بامداد.
- شایسته‌فر، مهناز (۱۳۸۴). *هنر شیعی*. تهران: مؤسسه مطالعات هنر اسلامی.
- ----- (۱۳۸۱). *عنصر الوهیت در نگارگری تیموری*. همایش هنر اسلامی. تهران: مطالعات هنر اسلامی.
- شوان، فریتهوف و دیگران (۱۳۸۳). *هنر و معنویت*. ترجمه انشاءالله رحمتی. تهران: فرهنگستان هنر.
- صحراگرد، مهدی (۱۳۹۲). *شاهکارهای هنری در آستان قدس رضوی*. مشهد: مؤسسه آفرینش‌های هنری.
- عطاردی، عزیزالله (۱۳۷۱). *تاریخ آستان قدس رضوی*. جلد ۱. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- فرهانی منفرد، مهدی (۱۳۸۲). *پیوند سیاست و فرهنگ در عصر زوال تیموریان و ظهور صفویه*. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- فیروزان، مهدی (۱۳۸۰). *راز و رمز هنر دینی*. تهران: سروش.
- کاتب، احمدبن حسین بن علی (۱۳۴۵). *تاریخ جدید یزد*. به کوشش ایرج افشار. تهران: امیرکبیر.
- کریمی داور، هانیه (۱۳۹۳). *پایان‌نامه: بررسی نمادهای شیعی در هنر ایران*. دانشگاه محقق اردبیلی. اردبیل: گروه باستان‌شناسی.
- کلانتر، علی اصغر (۱۳۹۳). «بررسی تطبیقی کاربرد متون مذهبی در هنر شیعی مازندران با تمرکز بر آثار شهرستان ساری». *فصلنامه نگره*. شماره ۲۹. بهار.
- گرابر، اولک (۱۳۷۹). *شکل‌گیری هنر اسلامی*. ترجمه مهرداد وحدتی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
- مرادی غیاث‌آبادی، رضا (۱۳۹۲). *فرهنگنامه عکس ایران*. شیراز: نوید شیراز.
- مستوفی بافقی، محمد مفید (۱۳۸۵). *جامع مفیدی*. جلد ۱ و ۲. به کوشش ایرج افشار. تهران: اساطیر.
- منز، بثاتریس فوربز (۱۳۹۲). *قدرت، سیاست و مذهب در عصر تیموریان*. ترجمه حسن اسدی. تهران: مولی.
- منشی قمی، قاضی احمد (۱۳۵۹). *گلستان هنر*. تصحیح احمد سهیلی خوانساری. تهران: کتابخانه منوچهری.
- میرخواند، محمدبن خاوندشاه (۱۳۷۳). *روضه الصفا*. تصحیح عباس زریاب. جلد ۶. تهران: علمی.
- نصر، سید حسین (۱۳۸۵). *در جستجوی امر قدسی*. ترجمه مصطفی شهرآئینی. تهران: نشر نی.
- نقی زاده، محمد (۱۳۸۴). *مبانی هنر دینی در فرهنگ اسلامی*. جلد ۱. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

تاریخ اسلام و ایران، دوره ۲۹، شماره ۴۲، تابستان ۹۸ / ۱۳۳

- واعظ هروی، اصیل‌الدین (بی‌تا). *مزارات هرات*. حصه اول و دوم. تصحیح فکری سلجوقی. بی‌جا. بی‌نا.
- ویلبر، دونالد و گلمبک، لیزا (۱۳۷۴). *معماری تیموری در ایران و توران*، ترجمه کرامت‌الله افسر و محمد یوسف کیانی، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- هنرفر، لطف‌الله (۱۳۵۵). «صفهان در دوره جانشینان تیمور». *مجله هنر و مردم*. سال ۱۴. شماره ۱۶۳: ص ۱۹-۶.
- یزدی، شرف‌الدین (۱۳۸۷). *ظفرنامه*. تصحیح سعید میرمحمدصادق و نوایی. ۲ جلد. تهران: مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- اداره پژوهش و معرفی آثار آستان قدس رضوی

References

- 'atārudī, 'azīzullah (1992): *Tārīkhi Āstāni Qudsi Raḍāwī*, J 1, Tihārān, Wizārati Farhang wa Irshādi Islāmī.
- Burkhardt, Tütüs (1986): *Hunari Islāmīyi Zabān wa Bayān*, Tarjumihyi Mas'ūd Rajabnīyā, Tihārān, Surūsh.
- Dānish Yazdī, Fāṭimih (2008): *Katbīhāyi Islāmīyi Shahri Yazd*, Tihārān, Subhāni Nūr.
- El Gemaiey, Ghada Abdel Monem (2014): IDEOLOGICAL CONNOTATIONS OF THE INSCRIPTIONS OF JUMA MASJED OF ISFAHAN, *Mediterranean Archaeology and Archaeometry*, Vol. 14, No 1, pp. 273-289. (مقاله)
- Farhānī Munfarid, Miḥdī (2003): *Piywandi Siyāsāt wa Farhang dar 'aṣri Zawāli Tiymūriyān wa Ḥuhūri Ṣafawīyih*, Tihārān, Anjumani Āthār wa Mafākhirī Farhangī.
- Firūzān, Miḥdī (2001): *Rāz wa Ramzi Hunari Dīnī*, Tihārān, Surūsh.
- Girābir, Ulik (2000): *Shiklgīriyi Hunari Islāmī*, Tarjumihyi Mihrdād Waḥdatī, Tihārān, Pashūhishgāhi 'ulūmi Insānī.
- Ḥāfīz Abrū, 'abdullah Ibn Luṭfullah (1993): *Zubdat al-Tawārīkh*, Taṣḥīḥi Siyyid Kamāl Ḥāj Siyyid Jawādī, J2, Tihārān, Nashri Niy.
- Hunarfār, Luṭfullah (1976): *Iṣfahān dar Durīhi Jānīshīnāni Tiymūr*, Majallihyi Hunar wa Mardum, Sāli 14, Sh 163, ṣ 6-19.
- Ḥusiyānī, Hāshim wa Farrāshī, Ḥusiyān (2014): *Taḥlīli Janbīhāyi Nimādīni Shī'ī dar Taz'īnāti Masjid Jāmi'i Yazd*, Faṣlnāmihyi Nigarih, Shumārihyi 29, ṣṣ 33-43.
- Ḥusiyānī, Siyyid Muḥsin (2011): *Katbīhāyi Tiymūrī dar Khurāsān*, J1, Mashhad, Bunyādi Pashūhishhāyi Islāmī.
- Ja'farīyān, Rasūl (1996): *Tārīkhi Tashayyū' dar Īrān*, J2, Qum Anṣārīyān.
- Jawādī Āsiyih (1984), *Mi'mārī dar Īrān*, J2, Tihārān, Khūshih.
- Kalāntar, 'alī Aṣghar (2014): *Barrasīyi Taṭbīqīyi Kārburdi Mutūni Madhhabī dar Hunari Shī'īyi Māzandarān bā Tamarkuz bar Āthāri Shahristāni Sārī*, Faṣlnāmihyi Nigarih, Sh 29, Bahār.
- Karīmī Dāwar, Hānīyih (2014): *Pāyānāmih: Barrasīyi Namādhāyi Shī'ī dar Hunari Īrān*, Dānishgāhi Muḥaqqīq Ardībīlī, Ardībīl, Gurūhi Bāstān Shināsī.
- Kātib, Aḥmad Ibn Ḥusiyān Ibn 'alī (1966): *Tārīkhi Jadīdi Yazd*, bih Kūshishi Īraj Afshār, Tihārān, Amīr Kabīr.
- Khāndmīr, Ghīyāth al-Dīn Muḥammad (1983): *Ḥabīb al-Siyar*, Ziri Naẓari Muḥammad Dabīr Sīyāqī, J 3 , 4, Ch 3, Kitābfurūshīyi Khayyām, Tihārān.

- _____, (1993): Ma'āthir al-Mulūk (bih Ḍamīmihi Khulāṣat al-Akḥbār), Taṣḥīḥi Mīr Hāshim Muhaddith, Bī Jā, Rasā.
- Khawāfī, Abū al-Qāsim Shahāb al-Dīn (1978): **Mansha' al-Inshā'**, 2 j, bih Qalami Nizām al-Dīn 'abd al-Wāsi' Nizāmī Bākhzarī, bih Kūshishi Rukn al-Dīn Humāyūn Farrukh, Tihrān, Dānishgāh, Dānishgāhi Millīyi Irān.
- Khawāfī, Faṣḥ al-Dīn Aḥmad (1960): **Mujmali Faṣḥī**, 3 J, Taṣḥīḥi Muḥammad Farrukh, Mashhad, Bāstān.
- Khazā'ī, Muḥammad (2002): **Majmū'ihī Maqālāti Awwalīn Hamāyishi Hunari Islāmī**, Tihrān, Mu'assisihī Muṭālī'āti Hunari Islāmī.
- _____ (2009): Sāktār wa Naqsh Māyihhāyi Madārisi Tiymūrī, Muṭālī'āti Hunari Islāmī, Shumārihi 11, 59-78.
- Khusru Biygī, Hūshang (2013): **Naqshi Āli Būyih dar Ta'mīqi Farhangi Shī'ī**, Pazhūhishnāmīhi Tārīkh, Sāli Hashtum, Shumārihi 30, ṣṣ 86-100.
- Manz, Bī ātrīs Furbz (2013): **Qudrat, Siyāsāt wa Madhhab dar 'aṣri Tiymūrīyān**, Tarjumihī ḥasan Asadī, Tihrān, Mūlī.
- May Farhat (2002) "Dynastic Legitimacy and Islamic Piety: The Shrine of 'Ali b. Musa al-Rida in Mashhad" (PhD diss, Harvard University), 82-110.
- _____ (2014) Taqwāyi Shī'ih wa Mashrū'iyati Pūyā: Mashhad Taḥṭi Shāhāni Awwalīyihī Ṣafawī, Muṭālī'āti Irān, 47:2, 201-216. (Journal)
- Mīrkhānd, Muḥammad Ibn Khāwandshāh (1994): **Ruḍat al-Ṣafā**, Taṣḥīḥi 'abbās Zaryāb, J 6, Tihrān, 'ilmī.
- Munshī Qumī, Qāḍī Aḥmad (1980): **Gulistāni Hunar**, Taṣḥīḥ Aḥmad Suhīylī Khānsārī, Tihrān, Kitābkhānihī Manūchihīrī.
- Murādī Ghīyāth Ābādī, Riḍā (2013): **Farhangnāmīhi 'aksi Irān**, Shīrāz, Nawādi Shīrāz. – Mustuff Bāfqi, Muḥammad Mufīd (2006): **Jāmi'i Mufīdī**, J 1, 2, bih Kūshishi Īraj Afshār, Tihrān, Aṣāṭīr.
- Naqīzādīh, Muḥammad (2005): **Mabāniyi Hunari Dīnī dar Farhangi Islāmī**, J 1, Tihrān, Daftari Nashri Farhangi Islāmī.
- Naṣr, Siyyid Ḥusiyn (2006): **Dar Justujūyi Amri Qudsi**, Tarjumihī Muṣṭafā Shahrāyīnī, Tihrān, Nashri Niy.
- Okane, Bernard (1995): Studies in Persian Art and Architectur, Cairo, The American university press, pp 137- 140. (Book)
- Ṣaḥrāgard, Mihdī (2013): **Shāhkārhāyi Hunarī dar Āstāni Qudsi Raḍawī**, Mashhad, Mu'assisihī Āfarīnīshhāyi Hunarī.
- Samarqandī, 'abd al-Jalīl wa Abū ṭāhir (1988): **Qandīyih wa Samarīyih (Du Risālīh dar Mazārāt wa Jughrafīyāyi Samarqand)**, bih Kūshishi. Īraj Afshār, Tihrān, Mu'assisihī Farhangi Jahāngīrī.
- Shāmī, Nizām al-Dīn (1984): **Zafarnāmīh**, bih Ihtimāmi Panāhī Simnānī, Tihrān, Bāmdād.
- Shāyistīhfar, Mahnāz (2005): **Hunari Shī'ī**, Tihrān, Mu'assisihī Muṭālī'āti Hunari Islāmī.
- _____ (2002): 'unṣuri Ulūhiyat dar Nigārgarī Tiymūrī, Hamāyishi Hunari Islāmī, Tihrān, Muṭālī'āti Hunari Islāmī.
- Shūān, Frithuf wa Dīgarān (2004): **Hunar wa Ma'nawīyat**, Tarjumihī Inshā'allah Raḥmatī, Tihrān, Farhangistāni Hunar.
- Tulstuy, Li'un (2009): **Hunar Chīst**, Tarjumihī Kāwih Dahīgān, Tihrān, Amīr Kabīr.
- Ukiyn, Bīrnārd (2007): **Mī'mārīyi Tiymūrī dar Khurāsān**, Tarjumihī 'alī Ākshīnī, Mashhad, Bunyādī Pazhūhishhāyi Islāmī.
- Wā'iz Hirawī, Aṣīl al-Dīn (Bī Tā): **Mazārāti Harāt**, Ḥīshīyi Awwal wa Duwwum, Taṣḥīḥi Fīkrīyi Saljūqī, Bī Jā, Bī Tā.
- Wīlbir, Dunāld wa Gulumbik, Līzā (1995): **Mī'mārīyi Tiymūrī dar Irān wa Tūrān**, Tarjumihī Kirāmatullah Afsar wa Muḥammad Yūsif Kīyānī, Tihrān, Sāzmāni Mīrāthī Farhangīyi Kishwar.

تاریخ اسلام و ایران، دوره ۲۹، شماره ۴۲، تابستان ۹۸ / ۱۲۵

- Yazdī, Sharaf al-Dīn (2008): **Zafarnāmiḥ**, Taṣḥīḥi Sa'īd Mīr Muḥammad Ṣādiq wa Nawāyī, 2 J, Tih-rān, Markazi Asnādi Majlisi Shurāyi Islāmī.
- Zimjī Asafzārī, Mu'īn al-Dīn (1960): **Ruḍāt al-Jannāt Fī Uṣāfi Madīnat Harāt**, bih Kūshishi Siyyid Muḥammad Kāzim Imām, J 2, Tih-rān, Dānishgāhi Tih-rān.

**Theoretical Review of the Concept of “Shiite art” Emphasizing the Study of
Shiite Approaches In the Timurid Era Architecture¹**

Vahid Abedinpoor²
Masoomeh Samaei³

Receive: 3/9/2018
Accept: 26/4/2019

Abstract

Tolerance policy of Timurid statesmen, Shi'ite bond with Sufism flow and the effort of Shi'ites, especially after the fall of the Abbasid caliphate provided a ground for the Shi'ite religion to grow in the Timurid era (913-771 AH) in various dimensions. This point affects other components of Iranian identity, including art and architecture, and the causes gradual development of Shi'ite approaches in Iranian art and architecture from this time onward (Some use the term "Shiite art"). Increasing the use of Shiite ornaments in buildings such as Imam Zadehan, the shrine of the Eighth Imam (Pbuh), important Iranian mosques and other monuments in the 9th century, confirms this point. In this regard, the definition and formation of this art in general, and the relationship of architecture and the Shi'ite religion in the Timurid era in particular is the main question of the present article. The research is done by the use of descriptive-analytical method, field study, and referring to library resources.

Keywords: Timurids, Shi'a religion, Art, Architecture, Iranian identity.

1. DOI: 10.22051/hii.2019.21733.1762

2. PhD in History of Islamic Iran, University of Isfahan; abedinpoorv@yahoo.com

3. PhD in History of Islamic Iran, University of Isfahan; masoomeh.samaei@yahoo.com

Print ISSN: 2008-885X/Online ISSN:2538-3493